

همراه بتی به نام «نائله»^۳ یاد می‌کنند.

◀ **پیشینه إساف:** درباره تطور واژه «اساف» آگاهی در دست نیست. تنها می‌دانیم که این نام در میان عرب رایج بوده است. این واژه از ماده «أَسَف» به معنای اندوه و خشم است.^۴ البته واژه‌شناسان به رغم یادکرد از «اساف» ذیل این ریشه، به نسبت آن دو اشاره نکرده‌اند. این را می‌توان نشانه‌ای بر غیر عربی بودن این واژه دانست.

نام این بت در شعر برخی شاعران جاهلی از جمله بشر بن ابی خازم اسدی^۵ آمده است. در شعری از ابوطالب نیز به مناسبت از مکان قرار گرفتن اساف و نائله یاد شده است.^۶

بر پایه داستان‌های کهن عرب و نیز روایتی منسوب به امام علی علیه السلام با اندکی تفاوت^۷، زنی به نام نائله بنت سهل و مردی به نام اساف بن عمرو، از مردم یمن، به یکدیگر عشق می‌ورزیدند.^۸ آن دو در موسم حج همراه قبيله

(م.۵۴۶ق.)، به کوشش عبدالسلام، لبنان، دار الكتب العلمية، ۱۳۴۱ق؛ المدونة الكبرى: مالك بن انس (م.۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ مستند الشيعة: احمد النراقى (م.۲۴۵ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۵ق؛ معجم البلدان: ياقوت الحموى (م.۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم لغة الفقهاء: محمد قلعه‌جى، بيروت، دار النفائس، ۱۴۰۸ق؛ معجم مقاييس اللغة: ابن فارس (م.۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تليغات، ۱۴۰۴ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م.۳۸۱ق.)، به کوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق؛ الموسوعة الفقهية الميسرة: محمد على الانصارى، قم، مجمع الفكر الاسلامى، ۱۴۱۵ق؛ المهذب: القاضى ابن البراج (م.۴۸۱ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۶ق؛ الميزان: الطباطبائى (م.۴۰۲ق.)، بيروت، اعلمى، ۳۹۳ق؛ الميسر و القداح: ابن قتيبة (م.۲۷۶ق.)، به کوشش محب الخطيب، قاهره، السلفيه، ۱۳۸۵ق؛ وسائل الشيعة: الحر العاملى (م.۱۰۴ق.)، به کوشش ربانى شيرازى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.

فریده منبرى



إساف: از بت‌های مشرکان مکه در روزگار جاهلیت

«إساف» به کسر و فتح همزه از بت‌های نام‌آور مکه^۱ بوده که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در فتح مکه آن را همراه دیگر بت‌ها شکست.^۲ از آن

۱. العین، ج ۷، ص ۳۱۱؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۳۳۱؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۴، «اسف».

۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۷۰؛ المعالم الاثريه، ص ۲۸.

۳. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۳۳۱؛ مرادصداطلاع، ج ۳، ص ۱۳۵۱.

۴. العین، ج ۷، ص ۳۱۱؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۷۵؛ تاج العروس، ج ۱۲، ص ۸۱-۸۲، «اسف».

۵. الاضنام، ص ۳۹؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. دیوان ابی طالب، ص ۵۷؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۴؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۷. قرب الاسناد، ص ۵۰؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۴۶؛ وسائل الشيعة، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۸. الاضنام، ص ۱۹؛ رسائل المرتضى، ج ۳، ص ۲۲۹؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۹، ص ۲۲.

خود آهنگ مکه کردند و هنگام طواف چون درون کعبه خلوتی یافتند، دامن به گناه آلودند. بدان روی که حرمت کعبه را نگاه نداشتند، خداوند آن‌ها را به صورت دو قطعه سنگ^۱ یا مس^۲ مسخ کرد. نام این دو را إساف بن یعلی و نائله بنت زید^۳، إساف بن سهیل و نائله بنت عمرو بن ذویب^۴، و إساف بن بغاء و نائله بنت ذئب^۵ نیز گفته‌اند. از عایشه و ابن عباس گزارش شده که آن دو از قبیله جُرهم بودند. برخی دیگر گفته‌اند که از بنی‌عبدالدار بوده‌اند.^۷

آن‌گاه که مردم آن‌ها را بدان صورت یافتند، برای عبرت دیگران، اساف را کنار حجرالاسود و نائله را کنار رکن یمانی^۸ یا یکی را کنار زمزم و دیگری را برابر کعبه^۹ یا هر یک را کنار رکنی نهادند. این صورت اخیر با گزارش اول، جمع‌پذیر است.^{۱۰} شماری

نیز مکان آن‌ها را برابر مقام ابراهیم علیه السلام در کعبه^{۱۱} و همچنین دو طرف زمزم^{۱۲} یاد کرده‌اند. گویا اینان اساف را با منات به اشتباه یکی دانسته‌اند. در بعضی حدیث‌های مسلم بن حجاج آمده است که اساف و نائله در کرانه دریا بودند و مردم یشرب در دوره جاهلیت برای آن‌ها هلله می‌کشیدند.^{۱۳} با توجه به دور بودن مدینه از دریا، این سخن چندان شایان اعتماد نیست. مجموعه نشانه‌های تاریخی، حکایت دارد که مکان آن‌ها بالای صفا و مروه بوده است.^{۱۴}

گویا مشرکان جای این دو بت را در دوران‌های گوناگون تغییر می‌داده‌اند. سبب این کار آن بود تا مردم با دیدن دو انسان مسخ شده، از رفتار زشت و سرانجام تلخ آن‌ها درس گیرند.^{۱۵} اما چون مدتی گذشت و بت پرستی رواج یافت، مردم به پرستش آن دو روی آوردند. برخی روایت‌ها عامل پرستش اساف و نائله را عمرو بن لُحی* دانسته‌اند؛^{۱۶} همان کسی که بت پرستی را از شام آموخت و

۱. الاضنام، ص ۱۸؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۸۶؛ المنمق، ص ۲۸۲.
۲. غریب الحدیث، ج ۲، ص ۷؛ الأحاد و المثانی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۵.
۳. بهج الصباغه، ج ۲، ص ۱۷۰.
۴. المسالک و الممالک، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الروض المعطار، ص ۴۹۷.
۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۱۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۷۰.
۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۴.
۷. غریب الحدیث، ج ۲، ص ۷.
۸. مسند الشامیین، ج ۴، ص ۷۷؛ تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۴۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۳۸.
۹. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۲۴.
۱۰. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱۱. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۳۱.
۱۲. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۴، ۷۲؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۰.
۱۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۶۸-۶۹؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۳۹۹؛ العجائب، ج ۱، ص ۴۰۸.
۱۴. نک: المجبر، ص ۳۱۱؛ المنمق، ص ۲۸۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۴.
۱۵. الاضنام، ص ۴۴۴؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۹، ص ۲۲.
۱۶. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۰؛ الروض المعطار، ص ۴۹۷.

قبایلی خاص همچون خزاعه یا قریش، نسبت یافته است.^۸ بر پایه برخی گزارش‌های دیگر، با گذشت زمان، همه حج گزاران آن دو بت را تقدیس و پرستش کردند.^۹ مشرکان در روزگار جاهلیت، همراه سعی میان این دو بت^{۱۰}، قربانی‌های خود را نزد آن‌ها ذبح و نحر می‌کردند^{۱۱} و گاه خون قربانی را بر سر آن دو می‌کشیدند و نزد آن‌ها سر خود را می‌تراشیدند^{۱۲} و سوگند یاد می‌کردند.^{۱۳}

إساف و نائله تا سال هشتم ق. پرستش می‌شدند. سرانجام پیامبر گرامی ﷺ در فتح مکه آن‌ها را همراه دیگر بتان شکست.^{۱۴} واقدی در روایتی افسانه‌گون آورده است که چون پیامبر این دو بت را شکست، زنی سیه‌چهره با گیسوانی بلند و پریشان از یکی بیرون آمد و ناله‌کنان صورتش را چنگ زد.^{۱۵} داستان إساف و نائله بی‌شبهت به برخی اساطیر یونانی نیست؛ به ویژه اسطوره هیومنس و آتلانتیا که در معبد زئوس، یا رمتر، همدیگر

در مکه رواج داد.^۱ بر پایه گزارش شهرستانی، گویا این دو بت را نیز «عمرو بن لحي» از شام به مکه آورده است.^۲ برخی قصی بن کلاب را عامل این کار دانسته‌اند.^۳ اما این نظر پذیرفته نیست؛ زیرا او از نیاکان پیامبر گرامی ﷺ است و نسب ایشان از شرك پیراسته‌اند. شاید نیز وی این کار را با هدف پرستش انجام نداده و پس از او مشرکان آن دو را پرستیده‌اند. بر پایه گزارشی، مشرکان در توجیه پرستش این دو بت می‌گفتند: اگر خدا از پرستش اساف و نائله خشنود نبود، آن‌ها را بدین شکل در نمی‌آورد.^۴

اساف و نائله رفته رفته جایگاهی نزد مشرکان یافتند تا آن‌جا که سعی را از کنار إساف آغاز می‌کردند و به نائله پایان می‌دادند^۵ و هنگام سعی، آن‌ها را می‌بوسیدند و مسح می‌کردند و گوسفندان و شترانی بسیار برایشان قربانی می‌کردند^۶ و کنار آن دو دعا کرده، حاجت می‌خواستند.^۷

پرستش این دو بت، در بعضی روایت‌ها به

۸. المجر، ص ۳۱۸؛ مسند الشاميين، ج ۴، ص ۷۷؛ الفائق، ج ۲، ص ۷۳.

۹. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱۰. التبيين، ج ۲، ص ۴۴؛ مجمع البيان، ج ۱، ص ۴۴۵؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۹، ص ۲۲.

۱۱. السيرة النبوية، ج ۱، ص ۹۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴.

۱۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۶۴.

۱۳. المنمق، ص ۱۱۷.

۱۴. مسند الشاميين، ج ۴، ص ۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۳۱.

۱۵. المغازی، ج ۲، ص ۸۴۱؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۲.

۱. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۰، ۱۲۴-۱۲۵؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. الملل و النحل، ج ۲، ص ۲۳۳.

۳. نک: صحیح مسلم، نووی، ج ۹، ص ۲۲.

۴. قرب الاستناد، ص ۵۰؛ الکافی، ج ۳، ص ۵۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۵۵.

۶. الفائق، ج ۲، ص ۷۳-۷۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۶۴.

۷. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۵۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۲۸.

را در آغوش کشیدند و زئوس از این بی‌احترامی رنجید و آن‌ها را به دو شیر سنگی تبدیل کرد.^۱ همچنین یادآور اسطوره عشق آدونیس و آستارته (عشتر) است که مظهر دو الهه بابلی، بعل (مردوک) و بعله، هستند.^۲ بر پایه گزارشی ضعیف از واحدی، ریشه این داستان از اهل کتاب است.^۳ با توجه به اسطوره‌های مشابه در فرهنگ اقوام همسایه شبه جزیره و نبود ریشه مشخص عربی برای واژه اساف، احتمال غیر عربی بودن آن بسیار است.

◀ إساف و مناسک حج: پیش از ظهور

اسلام و هم‌زمان با آن، بت‌پرستان برای برگزاری مناسک حج به مکه می‌آمدند و مراسم حج و سعی صفا و مروه را که از مناسک واجب آن است^۴، به گونه‌ای شرک آلود انجام می‌دادند. اسلام حج را به شکل راستین آن بازگرداند و آداب و مناسک شرک آلود را از آن زدود.

پیامبر گرامی ﷺ پیش از هجرت، مردم مکه را از عبادت و مسح آن دو بت نهی می‌کرد.^۵ مسلمانان پس از هجرت، نخستین بار به سال هفتم در رویداد *عمرة القضاء** توانستند خانه

خدا را زیارت کنند.^۶ برخی از آنان از سعی خودداری کردند، با این پندار که سعی صفا و مروه، به علت وجود دو بت إساف و نائله و سعی مشرکان، کاری جاهلانه و شرک آلود است.^۷ در پی این رویداد، آیه ۱۵۸ بقره/۲ با تأکید بر جواز و بلکه وجوب سعی صفا و مروه به عنوان جزئی از اعمال حج، نازل شد:^۸ ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...﴾ (بقره/۲، ۱۵۸)

بر پایه این آیه، سعی میان صفا و مروه، فریضه و از شعائر الهی است و اگر مردم نادان، آن‌ها را آلوده کرده‌اند، نباید مسلمانان این فریضه را ترک کنند. بدین ترتیب، توهم شرک آلود بودن سعی از میان رفت و این کار در قالب شعائر توحیدی حج، بدون ارتباط با پرستش بتان، ترویج و تثبیت شد.^۹ همچنین ذیل آیه ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ (مدثر/۷۴، ۵) از قتاده گزارش کرده‌اند که منظور از «رُجْز» یعنی پلیدی، همان اساف و نائله است که مشرکان

۶. تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۱۳۳؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۷. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۶۸؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۴۵؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۵؛ تنویر الحوالک، ج ۱، ص ۳۳۸.

۸. مسند احمد، ج ۶، ص ۱۴۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۴؛ اسباب النزول، ص ۳۷.

۹. تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۱۳۳؛ العجائب، ج ۱، ص ۴۱۰؛ التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۱. اساطیر جهان، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۲. اساطیر جهان، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۳. اسباب النزول، ص ۲۸.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۱.

۵. الآحاد و المثانی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۵.

الحوالك: السيوطي (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، المكتبة الثقافية، ۱۹۷۳م؛ **الصدر المنثور:** السيوطي (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **ديوان ابي طالب بن عبدالمطلب:** به كوشش آل ياسين، مكتبة الهلال، ۱۴۲۱ق؛ **رسائل المرتضى:** السيد المرتضى (م. ۴۳۶ق.)، به كوشش حسینی و رجایی، قم، دار القرآن، ۱۴۰۵ق؛ **الروض المعطار:** محمد بن عبدالمنعم الحميري (م. ۹۰۰ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، مكتبة لبنان، ۱۹۸۴م؛ **السنن الكبرى (سنن النسائي):** النسائي (م. ۳۰۳ق.)، به كوشش عبدالغفار و سيد كسروي، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق؛ **السيرة النبويه:** ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به كوشش محمد محيي الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳ق؛ **شرح نهج البلاغه:** ابن ابي الحديد (م. ۵۶۶ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق؛ **الصحاح:** الجوهري (م. ۳۹۳ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق؛ **صحيح مسلم بشرح النووي:** النووي (م. ۶۷۶ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق؛ **صحيح مسلم:** مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **العجاب في بيان الاسباب:** ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، به كوشش عبدالكريم، دار ابن الجوزيه، ۱۴۱۸ق؛ **العين:** الفراهيدي (م. ۱۷۵ق.)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ **غريب الحديث:** ابن قتيبه (م. ۲۷۶ق.)، به كوشش الجبوري، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق؛ **الفائق في غريب الحديث:** الزمخشري (م. ۵۳۸ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق؛ **فقه القرآن:** الراوندي (م. ۵۷۳ق.)، به كوشش حسيني، قم، كتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ق؛ **قرب الاسناد:** الحميري (م. ۳۰۰ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق؛ **الكافي:** الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ش؛ **كنز العمال:** المتقي الهندي (م. ۹۷۵ق.)،

بدانها تبرک می جستند و خداوند در این آیه، تعظیم و پرستش آن‌ها را منع کرده است.^۱

◀ منابع

الآحاد و المثاني: ابن ابي عاصم (م. ۲۸۷ق.)، به كوشش فيصل، رياض، دار الدرايه، ۱۴۱۱ق؛ **اخبار مکه:** الازرقی (م. ۲۴۱ق.)، به كوشش رشدی صالح، مکه، مكتبة الثقافه، ۱۴۰۳ق؛ **اساطير جهان:** پير گرمال، ترجمه: مانی صالحی، تهران، مهاجر، ۱۳۸۵ش؛ **اسباب النزول:** الواحدي (م. ۴۶۸ق.)، قاهره، الحلبي و شرکاه، ۱۳۸۸ق؛ **الاصنام (تنکيس الاصنام):** هشام بن محمد الكلبي (م. ۲۰۴ق.)، به كوشش احمد زكي، نشر نو، ۱۳۶۴ش؛ **بهج الصباغة في شرح نهج البلاغه:** محمد تقی شوشتری، تهران، امير كبير، ۱۴۱۸ق؛ **تاج العروس:** الزبيدي (م. ۱۲۰۵ق.)، به كوشش على شيرى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ **تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك):** الطبرى (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش گروهی از علما، بيروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ **تاريخ يعقوبی:** احمد بن يعقوب (م. ۲۸۴ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **التبيان:** الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش احمد حبيب، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۴۰۹ق؛ **تفسير ثعلبي (الكشف و البيان):** الثعلبي (م. ۴۲۷ق.)، به كوشش ابن عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق؛ **تفسير سمرقندی (بحر العلوم):** السمرقندی (م. ۳۸۳ق.)، به كوشش محمود مطرحى، بيروت، دار الفكر؛ **تفسير القمى:** القمى (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش موسوى، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ **التفسير الكاشف:** المغنیه، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۲۴ق؛ **جوامع الجامع:** الطبرسى (م. ۵۶۰ق.)، قم، النشر الاسلامى، ۱۴۱۸ق؛ **تنوير**

۱. جامع البيان، ج ۲۹، ص ۱۸۴؛ مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۱۷۱-۱۷۲.

أسامة بن زيد: صحابی و فرمانده سپاه

اسامه در نبرد با روم

اسامه از تیره کلب از قضاة^۱ با کنیه‌هایی همچون ابومحمد^۲، ابوزید^۳، ابوزید^۴، ابوخرجه و ابوحرثه^۵ فرزند زید و أم ایمن بود که هر دو از بردگان آزاد شده بودند. پدرش زید^۶ آزاد شده رسول خدا^ﷺ و پسر خوانده آن حضرت^ﷺ و از نخستین مسلمانان بود^۷ و مادرش برکه نام آور به أم ایمن، دایه و آزاد شده رسول خدا^ﷺ بود.^۸ از این رو، این سه تن را از موالی رسول خدا^ﷺ یا موالی بنی‌هاشم^۹ به شمار آورده‌اند. او را مردی سیه‌چرده با بینی پهن و شکمی بزرگ دانسته‌اند. از او به ذوالبطن نیز یاد کرده‌اند.^{۱۰} وی در مکه زاده شد و همان‌جا پرورش یافت.^{۱۱} اما هنگام تولد او مشخص نیست. از آن‌جا که سن او را در

به کوشش السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۰۹ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۸۷ق.)، به کوشش الحسینی، مکتبه الثقافه، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ مجمع الزوائد: الیهیثمی (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۸ق؛ المحتر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، مطبعة الدائر، ۱۳۶۱ق؛ مراصد الاطلاع: صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بیروت، دار الجبل، ۱۴۱۲ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، بیروت، دار الاندلس، ۱۹۶۵م؛ المسالك و الممالک: ابوعبید البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش ادریان فان لیوفن و اندری فیوری، دار العرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ مسند الشامیین: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی، بیروت، الرساله، ۱۴۱۷ق؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ المعجم الاوسط: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، قاهره، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۹۹ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ الملل و النحل: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش محمد سید کیلانی، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ المنق: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت^ع، ۱۴۱۴ق.

فاطمه بسحاق



۱. جمهرة انساب العرب، ص ۴۵۹.
۲. الطبقات، ج ۴، ص ۴۵.
۳. معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۲۴.
۴. مشاهیر علماء الامصار، ص ۳۰؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۴.
۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۹۶.
۶. اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۲۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۵۹.
۷. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۴؛ الطبقات، ج ۴، ص ۴۵؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۲.
۸. المحجر، ص ۱۲۸؛ الكامل، ج ۲، ص ۳۱۱.
۹. الاخبار الطوال، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ الطبقات، خلیفه، ص ۳۲.
۱۰. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۴؛ الطبقات، ج ۳، ص ۴۴؛ ج ۴، ص ۶۹.
۱۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۵.